

به قلم علی شالچیان منتشر شد

دوره دوجلدی «ترجمه و شرح فصوص الحکم»

ترجمه و شرح فصوص الحکم اثر محی الدین ابن عربی به قلم علی شالچیان در انتشارات «سلوک ما» به چاپ رسید. به گزارش خبرگزاری ایبنا، ترجمه و شرح فصوص الحکم اثر محی الدین ابن عربی به قلم علی شالچیان در انتشارات «سلوک ما» به چاپ رسید. محی الدین این کتاب را در اواخر عمر خویش نگاشته است و به لحاظ اهمیت ویژه و عمق این کتاب، افراد بسیاری ترجمه و شرحی بر آن نگاشته اند. کتابی که در برابر خواننده گرامی است، ترجمه و شرحی مبتنی بر مبانی محی الدین است و مشتمل بر تحقیقات فراوان و کم و بیش اقوال مختلف شارحان فصوص را نیز مورد توجه و نقد قرار داده است و اغلب نکته هایی تحقیقی را به مخاطبان عرضه کرده است که در شروح دیگر نیست. شیوه نگارش، ترجمه و شرح به گونه ای است که با قراردادن برخی توضیحات در داخل قلاب هم وفاداری به متن رعایت شده است و هم حجم گسترده ای از مطالب در دو جلد، گرد آمده است. در نگارش این اثر، به بیش از ۳۰۰ منبع استناد شده است.

معرفی کتاب

درباره کتاب «تبارشناسی جسبه»، بنیان‌فتیش عقاید در خلافت عباسی ریشه های تاریخی شغل گریبان گیر

امویان برای توجیه اعمالشان به فتوای شرعی نیازی نداشتند، اما عباسیان که رژیم خود را-به اعتبار نزدیکی شان به نبی- تحت شعار دینی «الرضا من آل محمد» برپا کردند، به توجیه شرعی نیاز داشتند تا رو بدارند که هرکدام از مخالفانشان را که خواستند به قتل برسانند، و از همین رو، وظایف دینی ای را برای تحکیم سلطه شان به وجود آوردند که از جمله آن ها شغل جسبه و مُحْتَسِب بود.

«جسبه» در لفظ شرعی به این معناست که یکی از مسلمانان برای دخالت در زندگی دیگران داوطلب شود و این دخالت وقتی رخ دهد که آن ها مرتکب گناهی در حق خدا یا نوع بشر شده باشند. درباره کسی که مرتکب گناهایی چون قتل، سرقت، قذف یا زنا می شود اتفاق نظر هست که مستحق مجازات یا به تعبیر فقهی مستحق «حدود» است. این حالتی است که شخص به حقوق بندگان تجاوز می کند، آیا درست است که حاکم چنین شخصی را مجازات کند؟ اما موارد اختلاف درباره کسی است که با ارتکاب به کفر یا ارتداد یا کوتاهی در اجرای فرائضی مثل نماز و زکات به حقی از حقوق خداوند تجاوز می کند. آیا دیگران حق دخالت در زندگی او را با اجبارکردنش به ایمان یا تهدیدش به مجازات دارند؟ و اگر جسبه شرعا به معنای دخالت در زندگی دیگران است، این دخالت تنها محدود به نصیحت و توصیه است یا با اکراه و اجبار و مجازات مادی و معنوی نیز همراه است؟

بر اساس شواهد تاریخی، وظلیفه حسبه تا پیش از این چنین استقرار یافته بود که حوزه عملش نظارت بر صحت ترازوها و پیمانه های فروش و قیمت کالاها و تقلب در درهم و دینار و... است و این چیزی بود که در عصر مملوکی جریان داشت. اما در عصر عباسی، امور عبادات مانند برپایی نماز و نماز جمعه و ازجمله حقوقی که جزو حقوق خداوند است نیز به وظایف محتسب اضافه شد.

احمد صبحی منصور محقق، اسلام شناس معاصر، رهبر معنوی قرآنیان در مصر، فعال حقوق بشر و رئیس مرکز جهانی قرآن (IQC) است. منصور سال ها درباره حقوق بشر و دموکراسی در مصر فعالیت می کرد تا اینکه پس از طرد از سوی فقهای اصول گرای مصری مورد پیگرد حکومت نیز قرار گرفت.

این کتاب علاوه بر مقدمه و خاتمه، دو فصل دارد که نویسنده در آن به کندوکاو در ریشه های تاریخی و سیاسی این واژه و اثراتش پرداخته است.

تبارشناسی جسبه نویسنده: احمد شُبجی منصور مترجم: عدنان فلاحی ناشر: نو چاپ اول، ۱۴۰۲ صفحه، ۱۵۰ هزار تومان

زین قدیر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

ناویراسته

در این مطلب فقط به نکته هایی که برای این موضوع استفاده می شود، توجه شده است.

ویراسته

در این مطلب فقط به نکته هایی توجه شده است که برای این موضوع استفاده می شود.

نکته

برای این که گرفتار دو فعل پشت سر هم نشویم، کافی است هر فعل را سر جای خود بگذاریم.

#زین-قدیر فارسی

شهریار

SHAHRAANNEWS.IR
۴شنبه
۲۲شهریور ۱۴۴۰
شماره ۲۲۰

۱۰

↓

فرهنگ و ادبیات

دبیر بیست و نهمین جشنواره بین المللی شعر فارسی رضوی از برگزاری محافل ادبی رضوی در شهرهای مختلف خبر داد

عرض ارادت ادبی ایران به ساحت سلطان خراسان



طراح: محمد رضا دوست بهمدی

امسال، یعنی «معین الضعفا» اشاره کرد و گفت: اختتامیه جشنواره ۲۱ اردیبهشت در کرمان برگزار خواهد شد و آثاری که با محوریت موضوع معین الضعفا سروده شده اند، برای دوری از امتیاز ویژه ای برخوردار خواهند بود.

شرافت در پایان با بیان اینکه جشنواره بین المللی شعر فارسی رضوی به عنوان یکی از قدیمی ترین جشنواره های شعر کشور، همواره به دنبال نوآوری و تازگی بوده است، بیان کرد: می گوئیم تا با برگزاری سلسله نشست های نقد و بررسی و محافل شعر، به ترویج معارف دینی و رضوی و ایجاد جریان تولید محتوا در حوزه شعر رضوی بپردازیم و از شاعران آیینی فارسی زبان به ویژه شاعران جوان حمایت کنیم.

● برگزاری ۶ محفل شعر فارسی رضوی تا روز ولادت امام رضا(ع)

شرافت همچنین از برگزاری چهار محفل دیگر در ایام دهه کرامت خبر داد و گفت: اولین محفل شعر در تاریخ ۱۲۴ اردیبهشت در قم، به میزبانی هیئت مذهبی افغانستانی ها خواهد بود و در ۲۶ و ۱۲۷ اردیبهشت نیز دو محفل شعر در حرم مطهر شاهچراغ شیراز و هیئت فدائیان حسین(ع) شهر

اصفهان برگزار می شود. او چنین اضافه کرد که در شب میلاد مبارک امام رضا(ع) نیز محفل ویژه شعری در مشهد برگزار خواهد شد که در این محفل شاعران نسبت به ساحت مقدس حضرت رضا(ع) عرض ارادت خواهند کرد. دبیر جشنواره در ادامه به اهمیت موضوع ویژه

بین المللی باشد. او با اشاره به برگزاری شش محفل شعر در شهرهای مختلف ایران، تأکید کرد این محافل فرصتی برای شاعران جوان و باتجربه فراهم می آورد تا آثار خود را به محضر علاقه مندان به شعر و ادب فارسی ارائه دهند. او ادامه داد: امیدواریم این محافل بتوانند به عنوان میزبانی از اندیشه ها و احساسات شاعرانه، به تقویت جریان شعر آیینی در کشور کمک کنند.

دبیر بیست و نهمین جشنواره بین المللی شعر فارسی رضوی بیان کرد: اولین محفل شعر در تاریخ ۱۹ اردیبهشت در تهران به میزبانی هیئت عبدال...ابن الحسن(ع) خواهد بود و دومین محفل در تاریخ ۲۰ اردیبهشت در کرمان، حسینیه حاج ماشاء... خدادادپور برگزار خواهد شد.

احمد اخوت از نوشتن و عادت های نویسندگی می گوید

نوشتن، زندگی کردن با «دیگری» است

است. از همین لحاظ، نوشتن همیشه برایم جالب بوده، گویی از سوراخ کلید در به زندگی دیگری نگاه می کنید. نگاه کردن و سرکشی به زندگی دیگران، شاید به نظر فضولی باشد، اما این فضولی در معنای منفی یا دیگران را زیر نظر داشتن یا جاسوسی نیست. این سرکشی به نظرم نوعی همدلی با زندگی دیگران است، شاید اتفاقی که برای ما می افتد در زندگی دیگری که نویسنده است نیز رخ داده باشد. به همین دلیل هم در نوشتن هم در ترجمه یکی از موضوع هایی که برایم مهم بوده، همین نگاه کردن به زندگی دیگری بوده است. البته از بعدهای دیگر هم امکان بررسی دارد.

● براساس تعریف شما نوشتن راهی برای رهایی از تنهایی است...

دقیقا نوشتن رهایی از احساس تنهایی و با دیگری زندگی کردن است. به نظرم با دیگری زندگی کردن تعریف خوبی است برای نوشتن. برای مثال من یا شما که با ژرژ سیمنون حتی دیدار هم نکرده ایم، وقتی خاطراتش را تحت عنوان «زمانی که پیر بودم» که به نظرم یک شاهکار است می خوانیم، می بینیم چیزهایی در زندگی او اتفاق افتاده که شاید آرزوی من نوعی هم بوده است. اما برای من اتفاق نیفتاده یا



دست های احمد اخوت عاشق نوشتن است، نامه نوشتن، خاطره نوشتن، داستان نوشتن، نوشتن، نوشتن... **گمانم برای او «نوشتن» عزیزترین و مهم ترین کار است.** او که آگاه و آرام صحبت می کند، **شمرده و واضح و با لهجه نرم اصفهانی اش، مهربان و شیرین است.** به زندگی بسیاری از نویسنده ها سرک کشیده و وقتی از آن ها صحبت می کند گویی با آن ها زندگی کرده است. **احمد اخوت که آخر همین تابستان ۷۳ ساله می شود، به تازگی کتابی منتشر کرده به نام «نویسندگان مشغول کارند»، که گزیده گفت وگوهای پاریس ریویو است با نویسندگان و شاعران روزنامه اعتماد به همین مناسبت با این مترجم و نویسنده درباره نویسندگی، گفت وگوهایی که با شاعران و نویسندگان و ترجمه و چیزهای دیگر گفت وگو کرده است. آنچه در ادامه می آید بخشی از این گفت وگو است.**

● ● ●

● شما در آثارتان مستقیم و غیرمستقیم به نوشتن می پردازید؛ چه در حوزه تألیف درباره نوشتن و ژانرهای مختلف آن مانند نامه نگاری، خاطره نویسی و... چه در حوزه ترجمه که با دقت در انتخاب داستان های کوتاه به اهمیت تأثیر خواندن بر نوشتن اشاره کردید یا حالا که گفت وگویی نویسنده گان را انتخاب کردید. نوشتن در زندگی شما چه جایگاهی دارد؟

من تا امروز ترجمه را در حقیقت در خدمت نوشتن به حساب آورده ام و از زمانی که به یاد دارم و وارد این عرصه شده ام، نوشتن همیشه برایم جایگاه ویژه ای داشته. چون خیلی چیزها را می توان از طریق نوشتن بیان کرد، هم روزگاران گذشته را بازسازی کرد، هم سرک کشید به زندگی نویسندگان، حتی آنان که در دیار دیگری زندگی می کنند. با این سرک کشیدن گاهی شباهت های بسیاری در زندگی خود و دیگران پیدا می کنید. چندین تعریف درباره نوشتن دیده ام که بر اساس سرکشی کردن یا سرک کشیدن به زندگی دیگران

علی موسی زاده

این یک شروع دوباره است... در ادامه مسیر کوتاه قبلی، و چه بهتر که ابتدا از کل قضیه شروع کنیم؛ اینکه ادبیات داستانی و داستان نویسی بر چه پایه ای استوار است. احتمالاً برایتان بارها پیش آمده که به دنبال ردپای نویسنده شدن سری به مقاله ها و سایت ها و حتی کتاب های مرجع زده باشید... اما کسی که در ابتدای کار است، باید از چه و چه هاترسد؟ از چه دوری کند؟ و مسیرش را در چه امتدادی می روند که فارغ از عیار و صحت این توصیه ها یا هر بادی به یک سمت کشیده می شوند... «اگر می خواهید داستان بنویسید ابتدا باید طرح کامل آن در ذهنتان باشد» یا «قبل از هر چیزی باید تمام وقایع و اجزای داستانی که می خواهید بنویسید را در ذهن داشته باشید» توصیه ای چنین امرانه، قاطع و

کارگاه داستان

حتی منطقی را هرکسی می پذیرد... جیمز جویس اسمش را گذاشته بود «تجلی» این آدم لقب پدر زبان انگلیسی را دارد و یکی از غول های بی بدیل دنیای ادبیات است... برای جویس بارها پیش آمده بود که بدون طرح و نقشه کامل پای نوشتن یک داستان بنشیند.

کار را شروع می کرد و تا آن نقطه ای که می دانست چه خبر است می نوشت و بعد... در لحظه ای عجیب و جادویی آن اتفاق می افتاد... در یک آن، یکی از شخصیت ها حرکتی می کرد و یا چیزی می گفت که جویس اصلاً برای آن برنامه قبلی نداشته، در واقع فضای داستانی چنان برای جویس زنده و محسوس بوده که شخصیت ها و فضا خارج از اختیار او دست به عمل می زد... یعنی اگر تا قبل از آن لحظه، در ظاهر، کلمات روی کاغذ می آمدند و جهان داستان به دنبال حرکت قلم شکل می گرفته، پس از آن لحظه تجلی،

ترک های سنگ نبشته حمورابی

جهان داستان و آدم هایش کش وقوس می آید و این جویس و قلمش است که سراسیمه دنباله رو این تصاویر ذهنی می دود تا به آن ها برسد. و این چنین بوده که یک غول ادبی بدون نقشه کامل داستان می نوشته... پس توصیه سفت و سخت ما چه می شود؟ آن اول که این قدرها هم بد به نظر نمی رسد! آری، رسم روزگار چنین است. (سلاخ خانه شماره پنج، کورت وونه گات) به همین سادگی می توان مثال های نقض بی شماری از نویسندگان بزرگ تاریخ آورد و دانه دانه این قواعد گول زننده فولادین را یک به یک خط زد... در اصل هیچ قاعده ای درکار نیست... اگر کتاب با آدمی دیدید که شروع کرد برای شما خط کشی کند، با سرعت نور از آن و دور شوید. اینجا جایی است که خلافتی شما قرار است سلاخی شود. در دنیای هنر و ادبیات هرکاری مجاز است. این

جهان داستان و آدم هایش کش وقوس می آید و این جویس و قلمش است که سراسیمه دنباله رو این تصاویر ذهنی می دود تا به آن ها برسد. و این چنین بوده که یک غول ادبی بدون نقشه کامل داستان می نوشته... پس توصیه سفت و سخت ما چه می شود؟ آن اول که این قدرها هم بد به نظر نمی رسد! آری، رسم روزگار چنین است. (سلاخ خانه شماره پنج، کورت وونه گات) به همین سادگی می توان مثال های نقض بی شماری از نویسندگان بزرگ تاریخ آورد و دانه دانه این قواعد گول زننده فولادین را یک به یک خط زد... در اصل هیچ قاعده ای درکار نیست... اگر کتاب با آدمی دیدید که شروع کرد برای شما خط کشی کند، با سرعت نور از آن و دور شوید. اینجا جایی است که خلافتی شما قرار است سلاخی شود. در دنیای هنر و ادبیات هرکاری مجاز است. این

می کنید. هی تکراری می نویسید و جلونمی روید چون تمام مواد را روز قبل یا جلسه قبل مصرف کردید، به ویژه کسانی که به دلیل شیوه زندگی اجتماعی شان، فاصله بین نوشتنشان زیاد است بیشتر مشکل دارند تا کسانی که مدام می نویسند. شاید بگویند نویسنده حرفه ای در کشور وجود ندارد، اما می توان تنظیم کرد که هم کاری برای گذران زندگی روزمره کنید هم یکی، دو ساعت برای خود. دل نوشتن را حفظ کنید و مدام بنویسید. باید حتما ذخیره داشته باشید. این تکنیک ها فراوان است. مثلاً در مصاحبه کوتاه ژرژ سیمنون خیلی دقیق و حساب شده به سوالات جواب داده شده موضوعی دقیق مطرح می شود؛ اینکه که چرا همه کتاب های ژرژ سیمنون زیر ۱۵۰ صفحه هستند. دقیق کنید به ویژه داستان کوتاه نویس ها را اگر ببینید تعداد صفحاتشان با یکی یا دو صفحه یکسان است و من اولین بار از این مصاحبه به چنین چیزی رسیدم؛ از تجربه ژرژ سیمنون.

● در بین کسانی که در این کتاب گفت وگوهایشان منتشر شده، چه عادات و تجربیاتی مشترک است؟ به نظرم آن چیزی که مهم ترین اصل است. جدی گرفتن و مهم بودن نوشتن به عنوان یک کار است. بر «کار» اول کتاب بسیار تأکید شده، کار به عنوان کار دلی که در زندگی روزمره انجام می دهید مثل غذا خوردن و کارهای روزمره... کار نوشتن به عنوان کار دلی؛ این را تقریباً در تمام نویسنده ها می بینید.

● شما چطور می نویسید؟ من بیشتر کارم ذهنی نویسی است. سال هاست تمرین کردم ذهنی بنویسم. بسیاری از قسمت هایی که می خواهم بنویسم قبلاً در ذهن نوشته ام کار جالبی است؛ مثلاً وقتی پیاده روی روزانه می کنید، می توانید ذهنی نویسی کنید. پیشنهاد نویسی کنید.



داستان های دنیا مثل هم می شدند و تمام می شدند و هیچ کتاب نویی چاپ نمی شد... خودتان را در تارهای سست قاعده های الکی گیر نیندازید. فقط این را بدانید که وقتی دست به انتخاب می زنید و مثلاً داستان را با روش خاصی شروع می کنید، این شکل خاص قرار است تأثیر خاصی هم بر مخاطب بگذارد و اگر قرار باشد اجزای دیگر داستان را در هماهنگی با این شروع خاص ببینید، باید مراقب هارمونی اجزا باشید و انتخاب هایتان از اینجا به بعد محدود تر است... این ستون هم هدف دارد تا تکنیک ها آموزش دهد و صرفاً تأثیر این تکنیک ها را بر فضای داستان بیان کند... چیزی که نجات بخش است مطالعه زیاد است و مطالعه درست و خوب... خط کش درستی به آدم می دهد، اینکه فلان قاعده ای که فلان استاد می گوید چقدر عیار دارد را همین طوری می شود سنجید. و حتی بدتر از آن... خودتان را حتی به کتاب ها، هر چقدر بزرگ و شاهکار هم مقید نکند. خلاقیت شما پرده ای است که همیشه باید وحشی بماند...